

## تاریخ خراسان سیاسی

ساخت. پس از کشته شدن شیبک خان به دست شاه اسماعیل در خراسان، ازبکان آن قدر قدرت داشتند که تجدید قوا کنند و مجدداً سرزمین خراسان را مورد حمله و هجوم قرار دهند. تلاش ازبکان برای استقرار در خراسان به خصوص در دوره عبیدالله خان ازبک، عبدالله خان ازبک و فرزندش عبدالؤمن خان وارد و کشیهای پادشاهان صفوی به خصوص در دوره شاه طهماسب و شاه عباس برای بیرون راندن ازبکان از خراسان به همراه مجادلات مذهبی و ادعاهای سیاسی آنها برای حاکمیت بر خراسان بخشی مهم از رساله را تشکیل می دهد. در حقیقت با روی کار آمدن بابریان در هند (مغولان هند) در اوایل قرن دهم / شانزدهم و تلاش آنها برای تصرف قندهار دولت صفوی را با بابریان هند نیز درگیر نمود. به هر روی بلخ، هرات و قندهار سه مرکز مهم مورد مناقشه این سه دولت آسیا بود. بلخ در ابتدا مورد منازعه صفویان و شیبانیان قرار گرفت و پس از آنکه دولت صفوی از عهده نگه داری بلخ بر نیامد دولت بابری تلاش کرد که به گونه ای آنرا از چنگ ازبکان خارج سازد که موفق نشد. هرات و مرو اغلب مورد منازعه شیبانیان و صفویان بود که در نهایت حاکمیت صفوی بر این دو شهر تثبیت شد. چنانکه قندهار تا پایان دولت صفوی در اختیار ایران باقی ماند. اما نزدیک بودن هرات به متصرفات ازبکان و اراده

### تاریخ خراسان در دوره صفوی

(قرون دهم و یازدهم هجری / شانزدهم و هفدهم میلادی)، دکتر رئیس السادات  
اصل این رساله به زبان انگلیسی است:

*The History of Khurasan in the Safavid period (16th and 17th centuries). By: Seyyed Husain Ra'ees Sadat. Under The Guidance of Dr. Ruby Maloni. Department of History, University of Mumbai, Mumbai. February 1998.*

پس از تضعیف و فروپاشی تیموریان در ایران و آسیای مرکزی در اوایل قرن دهم / شانزدهم، خراسان میدان رقابت ازبکان و قزلباشان قرار گرفت. شیبک خان ازبک از اعقاب چنگیز با جنگهای متعدد دولت شیبانی ماوراءالنهر را بنیان نهاد و شاه اسماعیل صفوی پس از براندازی دولت آق قویونلو و ترکمان سلسله صفوی را تأسیس کرد. تلاش شیبک خان برای ضمیمه کردن خراسان به ماوراءالنهر و استفاده از موقعیت اقتصادی این منطقه رویارویی وی را با شاه اسماعیل که خراسان را بخشی از ایران می دانست و بایستی هرچه زودتر از نظر سیاسی به سایر نواحی ایران ملحق می گردید اجتناب ناپذیر

نویسنده پس از تعریف اصطلاحها و معرفی جدولهای لازم روش کار و شرح تحقیق را در پیشگفتاری نسبتاً مفصل آورده است. متن کتاب دو بخش است بدین ترتیب:

بخش یک - واج شناسی گویش بیرجند در دو جستار و پنج فصل که به بیان ویژگیهای گویش بیرجند، دگرگونی واجها، دگرگونی واژه‌ها و همخوانها، حذف، قلب، ابدال و ... اختصاص دارد. بخش دوم - دستور زبان، نیز دو جستار و سیزده فصل است. در جستار اول به ساختمان واژه‌ها، انواع آنها، نمونه‌هایی از ستاکها و ماده‌های مشتق و در جستار دوم به نحو جمله‌ها (ارکان، اقسام جمله، اجزای مختلف، ساختمان ترکیب جمله، حذف و ...) توجه شده است. از عمده‌ترین ویژگیهای این گویش تنوع پیشوندها، پسوندها، صورتهای فعلی و گونه‌های ترکیبی است که استاد در کمال دقت و به صورت علمی گردآوری و تحلیل کرده است.

واژه‌نامه‌ای در صد صفحه پیوست است که خود کتابی جداگانه تواند بود، اطلاعات گسترده استاد دکتر جمال رضایی و تسلط کامل او بر گویش سبب شده است که نکته‌ای از ظرایف و دقایق ناگفته نماند و در تطبیق این نکات با زبان رسمی نتایج سودمندی گرفته شود.

بی تردید کار دکتر رضایی از هر نظر می‌تواند نمونه بسیار برجسته‌ای در گردآوری گویشها و تجزیه و تحلیل آنها باشد. امید است به زودی از نتایج تحقیقات استاد در زمینه مثلها، بازیها و دیگر عناصر فرهنگی گویش بیرجند بهره‌مند شویم.

پادشاهان صفوی به وسعت دادن و رونق بخشیدن مشهد، مرکز حکومت خراسان بتدریج از هرات به مشهد انتقال یافت، چنانکه بعداً در دوره افشاریه مشهد به مرکز دولت تبدیل گردید.

**بررسی گویش بیرجند (واج شناسی - دستور)**، دکتر جمال رضایی، به اهتمام و هزینه دکتر محمود رفیعی، انتشارات هیرمند، چاپ اول، ۱۳۷۷، ۴۵۱ صفحه / ۲۰۰۰ تومان.

دکتر جمال رضایی نویسنده کتاب از استادان برجسته ادبیات فارسی و زبانهای باستانی است. شناسایی و بازخوانی کتیبه کال چنگال نتیجه همت و حاصل تلاش او در سنین جوانی است. در زمینه گویش بیرجند هم پیش از این دو کتاب دیگر نشر کرده است:

۱- فرهنگ ملاعلی اشرف صبوحی (نصاب بیرجندی)، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۴.

۲- واژه‌نامه گویش بیرجند، روزبهان، تهران ۱۳۷۳.

کتاب حاضر در حقیقت جلد دوم واژه‌نامه و جلد سوم از گویش بیرجند است. به جرات می‌توان گفت تاکنون کاری چنین علمی و روشمند در زمینه گویش در زبان فارسی انجام نگرفته است و جز این هم نباید باشد زیرا نویسنده خود استادی زبان شناس است که از تحویل و تطوّر زبانهای باستانی آگاهی کامل دارد و تغییرات گویشی زبان دری را به خوبی درمی‌یابد و تحلیل می‌کند.

علاوه بر اطلاعات علمی و تجربه‌های قبلی، گویش‌ور گویش بیرجندی نیز هست و این خود امتیاز دیگری است.

اتحاف کتاب به روان استاد دکتر محمد مقدم است و در پیشگفتار هم به نشان سپاس یادی از استادان متقدم رفته است.

**فرهنگ شاهنامه، نام کسان و جایها**، حسین شهیدی مازندرانی (بیژن)، نشر بلخ وابسته به بنیاد نیشابور، چاپ نخست، ۸۱۰ صفحه ۳۵۰۰ تومان.

ظاهرآ داستان فرود سیاووشان نیز زیر چاپ است. کتاب حاضر با توجه به نسخه‌های مختلف چاپی شاهنامه تنظیم شده یعنی نامهای محرف یا متفاوت که در برخی نسخه‌ها آمده است نیز عنوانی جداگانه دارد و در عین حال به عنوان اصلی نیز ارجاع داده شده است. طبیعی است که به دلیل اشتراک موضوع مشابهت این اثر با فرهنگ نامهای شاهنامه و کتابهای دیگر در این زمینه زیاد باشد اما به هر حال چنان‌که اشاره شد، درباره آثار برجسته‌ای چون شاهنامه، مثنوی و غزلیات حافظ هر چه نشر شود بی‌جا نیست و تکرار هم نیست. از حق نباید گذشت آقای شهیدی کوشیده است درباره پیشینه یا تاریخچه مکانها از کتب عمده جغرافیا بهره گیرد و توصیف شخصیتها را با توجه به کتابهای همزمان با شاهنامه یا پیش از آن چون تاریخ بلعمی، حمزه اصفهانی و ... تنظیم کند و این خود نیز در خور ستایشی جداگانه است.

### شعر معاصر دری در افغانستان،

تألیف دکتر غلام محمد لعل‌زاد، انتشارات بنیاد فرهنگ و تمدن افغانستان، دهلی، ۱۳۷۷ شمسی (۱۹۹۸ میلادی)

با نیم‌نگاهی به کتاب شعر معاصر دری در افغانستان به این واقعیت دست می‌یابیم که شعر این سرزمین همراه با تحولات سیاسی و اجتماعی، دگرگون شده، از نظر فرم و محتوا راه تازه‌ای را پیموده و مفاهیم نوری را پذیرا شده است. نویسنده کتاب آقای دکتر غلام محمد لعل‌زاد در مقدمه یادآور می‌شود که ادب معاصر دری افغانستان در عصر حاضر یا «عصر طیاره و راکت» راهی به درون «سرزمین دری‌پرور هندوستان» نیافته است و به این جهت بر آن می‌شود تا «زن‌جیر گسسته

بی‌گمان شاهنامه فردوسی پرمایه‌ترین و بزرگترین اثر حماسی ادبیات ایران است که از بسیاری جهات با بزرگترین حماسه‌های دنیا نیز برابری می‌کند.

این‌که بزرگمردی چون فردوسی در هنگامه‌ای که شعر فروشان درباری هنر را دستاویز مال و جاه کرده‌اند و غلامبارگان تاج‌دار «انگشت در کرده‌اند و قرمطی می‌جویند» قد برافرازد و با بیانی رسا ستایشگر عظمت دیرین ملت خود شود و آنها را در جهت کسب شخصیت انسانی و احراز استقلال به تلاش وادارد کاری است مهم و شایسته نیکوگفت؛ اما اهمیت شاهنامه فراتر از اینهاست. فردوسی آفریننده حماسه انسانی و تجسم‌بخش زمینه‌های ارزنده‌ای است که نمایانگر نیازها و آرزوهای مردم این سرزمین در طی قرن‌هاست. حماسه او بیان اندیشه‌های والای انسانی و نمایش رفتار و کردار انسانهای نمونه است.

فردوسی در شاهنامه استعداد درخشان و تجربه‌های گسترده خود را در انتقال معانی دقیق و اندیشه‌های عمیق نشان داده است و کتاب او رشته پیوندی استوار برای همه ایرانیان در سرزمینهای دور و نزدیک و برانگیزاننده احساس مشترک انسانی و شور جمعی است.

با این توصیف اگر دهها کتاب هم در هر موضوع شاهنامه نوشته شود نه زاید است و نه تکراری، نتیجه عشقی است بی‌کرانه و نکته‌ای یگانه اما غیر مکرر.

فرهنگ شاهنامه (نام کسان و جایها) نتیجه پژوهش دوازده ساله آقای حسین شهیدی مازندرانی است که به هزینه بنیاد نیشابور چاپ شده و با افزوده‌ها و فهرستهایی که دارد ۸۱۰ صفحه است. از مولف پیش از این دو اثر دیگر در همین زمینه وسیله این بنیاد انتشار یافته است:

- ۱- مرزهای ایران و توران بر بنیاد شاهنامه.
- ۲- نقشه جغرافیایی شاهنامه با دفتر راهنما.

افغانستان، به نقل شعر «باغ» از رازق رویین می پردازیم.

### باغ

یک شب هواز کوچ بهاران به باغ گفت  
نجوای غم سرشت هزاران گیاه و برگ  
در گوش باغ خواند:  
ای مانده در نهایت غربت

ای باغ

یک روز اگر پرنده گم گشته باز گشت  
بر شاخه ات نشست

یک روز اگر نسیم بهار شکوفه بار  
بر پنجه های خشک تو بنشاند صد نگین  
ما را به پاس هستی سبزی که داشتیم  
از یاد خود مبر

با اوبگویی قصه دوران درد را

ایام تلخناک غم اندود سرد را

مرغی ز شاخه خواند:

ای آشیان سبز

من نیز می روم به دیاران دوردست

گر باد هرزه گوی

دیروز از بهار دروغین خبر رساند

قلبم که از شگفتن یک گل به خود تپید

امروز مرده است.

\*\*\*

اکنون چنان که باد

تابوت برگهای خزان را

بر دوش می کشد

تابوت یادهای کهن را

بر دوش می کشیم

\*\*\*

تا باغ لب گشود

تنها زمین به ماتم سردی نشسته بود

آن گاه باغ ماند

و عریانی

روابط ادبی افغانستان و هند» را اتصال و پیوستگی بخشد و به این منظور به نگارش این کتاب در هند دست می زند.

نویسنده اذعان دارد که توفیق دست یابی به تمامی گوهرهای اقیانوس ادب معاصر افغانستان را نیافته است بلکه آنچه فراهم آورده «مربوط و منوط به گنجینه کلام شاعران معاصر در هند» می باشد. البته این مجموعه را با استفاده از بعضی آثار و مجموعه های منتشر شده از «شاعران سالهای پسین کشور» نسبتاً تکمیل کرده و قول داده است که در چاپهای بعدی، دیگر شاعران معاصر را معرفی کند و این خلأ را رفع نماید.

کتاب دارای پیش گفتار مؤلف و مقدمه آقای یوسف کهزاد است. سپس کتاب به پنج قسمت تقسیم می شود. در قسمت اول، اوضاع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و فرهنگی افغانستان از حصول استقلال (۱۹۱۹م) تا کودتای ثور (۱۹۷۸م) مورد پژوهش قرار می گیرد. در قسمت دوم، نویسنده به بحث پیرامون خصوصیات شعر معاصر دری می پردازد و شعر امروز افغانستان را همپای تحولات سیاسی و اجتماعی بررسی می کند. در این قسمت تأثیر شعرای مشروطه و نوپرداز معاصر ایران را بر شعر معاصر افغانستان یاد آور می شود. قسمت سوم کتاب اختصاص دارد به شعرایی که افکار جدید را در قالب کهنه سروده اند. در این قسمت شرح حال و اشعار ۲۱ تن از شعرای معاصر از جمله استاد خلیلی و سه زن شاعر آورده شده است. قسمت چهارم، شرح زندگی و اشعار شعرایی است که به طرز و قالب نو و کهنه شعر می سرایند. در این بخش هم نوزده شاعر معرفی شده اند.

«ارزیابی و نتیجه گیری» عنوان آخرین قسمت کتاب است. نویسنده در این قسمت از مشکلاتی که بر سر راه داشته یاد می کند و به ذکر نام شعرایی که به آثارشان دسترسی نداشته می پردازد. سرانجام با آوردن مراجع و مصادر و برخی فهرستهای دیگر، کتاب را پایان می بخشد. در این جا برای آشنایی بیشتر با شعر نو

ظاهراً مصحح و ناشر روسی (گرگریف) تعلیقات گونه‌ای در شرح اعلام تاریخی و جغرافیایی کتاب فراهم آورده‌اند، که همان تعلیقات در صفحات ۱۰۸ تا ۱۵۶ بازنویسی شده و بسیار ارزشمند است.

بخش سوم کتاب (صص ۱۵۷ تا ۲۵۶) شامل تعلیقات و توضیحات، یا دانسته‌ها و یافته‌های آقای عشیق است، که گاه مفید و پربار و گاه درازدامن و «افغان‌باره» است! (مثل شرح رود جیحون، ص ۱۶۲). مصحح در پیشگفتار کتاب هم کوشیده تا بر تاریخ درازدامن ماوراءالنهر از اسلام «تا اقتدار منغیها» پرتوی از روشنی بینکند، کاری که بسیار مفید افتاده است اما خالی از اشکال و اشتباه هم نیست (مثل معرفی امیرنصر سامانی، ص ۱۶).

با توجه به آنچه گذشت متأسفانه عنوان تاریخ بخارا، خوقند و کاشغر! که از سوی شارح محترم انتخاب شده، چندان مناسب این کتاب نیست. با این همه اگر نام کتاب «ورقی از تاریخ بخارا و ماوراءالنهر، به همراه دانسته‌های آقای عشیق» انتخاب می‌شد، چیزی از ارزش واقعی آن نمی‌کاست. در شرایطی که پس از حدود صد سال قطع ارتباط و کسب آگاهی مردم ایران از اوضاع ماوراءالنهر، و مردم آنسو از احوال این سویان، نیاز مبرمی به آگاهی از حال و گذشته هر دو سو احساس می‌شود، انتشار چنین آثاری بسیار ارزشمند است، که امید می‌رود جناب آقای عشیق کابلی از راهی که در پیش گرفته‌اند بازمانند و باز هم مشتاقان تاریخ و فرهنگ خراسان را حتی با جرعه‌ای سیراب سازند. ان شاء الله

## تاریخ بخارا، خوقند و کاشغر،

تألیف: میرزا شمس بخارایی، با مقدمه و تصحیح و تحقیق: محمداکبر عشیق، تهران، آینه میراث، ج ۱، ۱۳۷۷، ۳۴۰ صفحه، ۱۲۰۰ تومان.

کتاب شامل سه بخش است: مقدمه یا پیشگفتار مصحح (۶۴ صفحه)، متن اصلی در شرح حال امیرحیدر منغیت بخارایی و ... (صفحات ۶۷ تا ۱۵۶)، تعلیقات و توضیحات حجیم آقای عشیق (از ص ۱۵۷ تا آخر کتاب).

عمده مطالب متن اصلی اختصاص به شرح حکومت ۲۷ ساله میرحیدر و جدال دو برادر او بر سر جانشینی اش دارد (صص ۶۷ تا ۹۳)، لذا می‌توان گفت جان کلام این اثر ۳۴۰ صفحه‌ای تنها همان ۲۷ صفحه است.

امیرحیدر فرزند «بک‌جان شاهمراد» دومین خان مشهور ازبکهای منغیت است که از سال ۱۲۱۵ ه. ق تا ۱۲۴۲ در بخارا حکومت کرد. منابع ایرانی عموماً از وی با عنوان «میرحیدر توره» (خان‌زاده میرحیدر) یاد کرده‌اند. منغیها سومین سلالة ازبکهای حکومتگر ماوراءالنهری تقریباً با قاجارهای ایران همزمان بوده‌اند.

چون مؤلف همزمان با روی کار آمدن امیرنصرالله (برادر میرحیدر) از بخارا به خوقند گریخته (حدود ۱۲۴۲) چند صفحه از اثر خود را هم به روایت تاریخ شبه‌افسانه‌ای حکام خوقند و درویش‌زاده‌ای به نام «یوسف خواجه» اختصاص داده، که از اعقاب مخدوم اعظم (ده‌بیدی سمرقندی) و ساکن بخارا بوده اما به خوقند گریخته است (صص ۹۸ تا ۱۰۸). و ظاهراً متن اصلی در همان‌جا، یعنی صفحه ۱۰۸ پایان پذیرفته است.

متأسفانه آقای عشیق به متن اصلی نوشته «میرزا شمس بخارایی» دست‌رسی نیافته بلکه ترجمه فارسی از برگردان روسی متن اصلی را، که در زمان قاجار صورت گرفته، اساس کار خود قرار داده است (رک: صص ۵۹ تا ۶۴)، در نتیجه نسخه اساس فاقد اصالت و ارزش ادبی تاجیکی است:

## شمرنگار، دوبیتیهای عامیانه

بیرجندی: دفتر دوم، شمرنگار، تدوین و تنظیم: دکتر محمدمهدی ناصح، انتشارات محقق، مشهد، ۱۳۷۷، ۹۰۰ تومان.

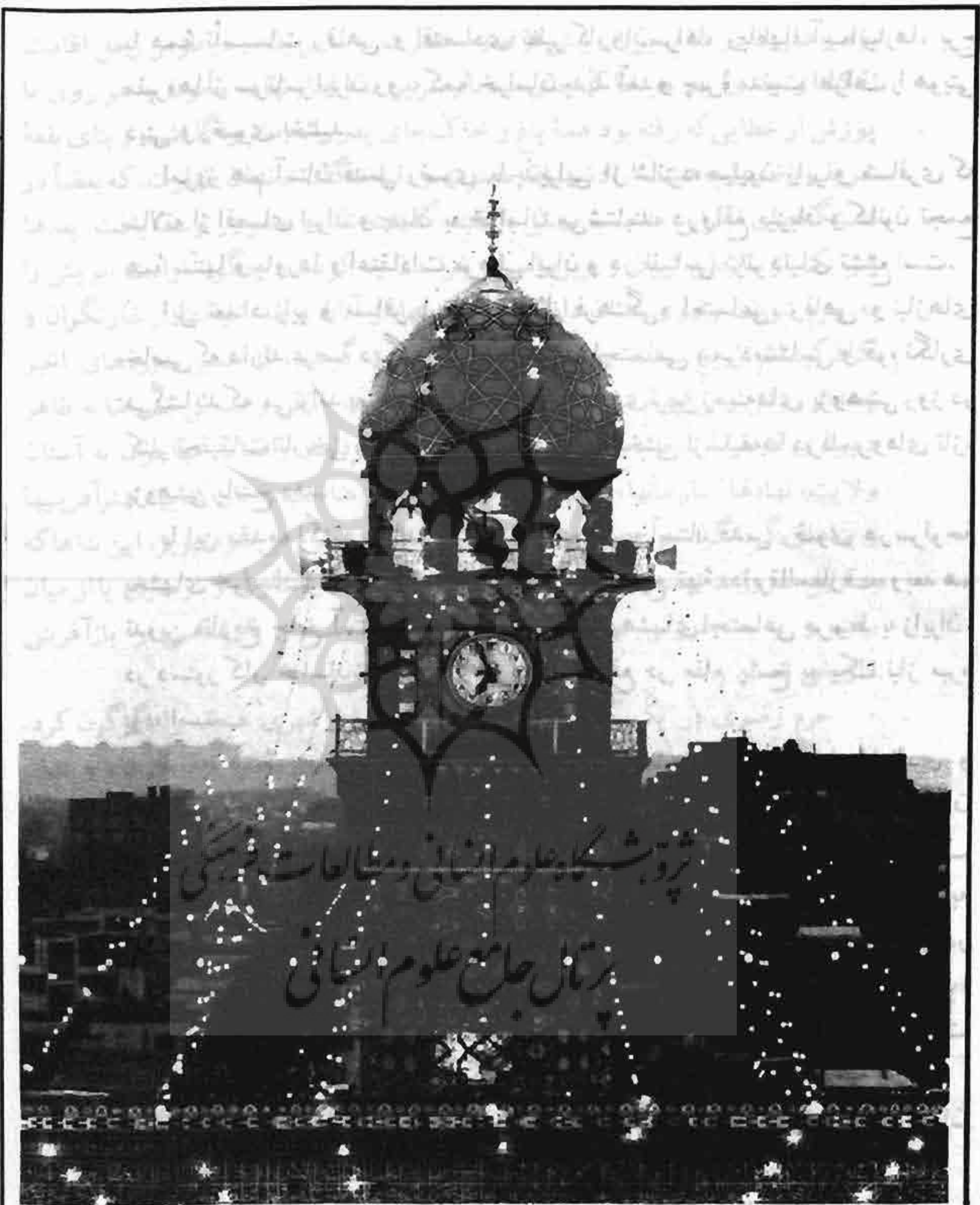
تدوین و گردآوری دوبیتیهای عامیانه که مدتهاست توسط پژوهشگران فرهنگ عامه در سراسر ایران به انجام می‌رسد از اهمیت ویژه‌ای در شناخت زندگی و فرهنگ مردم این سرزمین برخوردار است. این ترانه‌ها که در نهایت سادگی و عریانی سروده شده و شور زندگی و صداقت و بسی‌ریایی در آنها موج می‌زند نمایانگر نوع معیشت، تولید، دادوستد، رفت و آمد، ارتباطها، وابستگیها و مسائل مربوط به محیط و جامعه است. **دوبیتیهای عامیانه بیرجندی که اینک دفتر دوم آن، با عنوان شعر نگار توسط آقای دکتر محمد مهدی ناصح تدوین و تنظیم شده و انتشارات محقق انتشار داده است نمایانگر اندیشه‌های ساده و تلاش مردم سخت‌کوش بیرجند و عشق و محبت و مهر و لطف آنهاست. نخستین مجموعه این ترانه‌ها با عنوان شعر دلبر در سال ۱۳۷۳ انتشار یافت که حاوی ۴۴۴ ترانه است که چون واژه «دلبر» در آنها به بسامد رسیده عنوان شعر دلبر را زیننده شده است. در ادامه کتاب اول، ترانه‌های این مجموعه از شماره ۴۴۵ شروع می‌شود و تا ۱۰۱۱ ادامه می‌یابد و همان سبک و**

سیاق کتاب اول را دنبال می‌کند. **گرد آورنده کتاب در مقدمه به شیوه کار اشاره کرده و اهمیت گردآوری ترانه‌ها را یادآور شده است. بعد از هر ترانه، با الفبای صوتی (فونتیک) آنها را بازنویسی کرده و از این طریق توانسته است گویش مردم بیرجند را بشناساند و برای زبان‌شناسان و گویش‌پژوهان کاری درخور ارائه دهد. در قسمت زیرنویس هر صفحه هم واژه‌های داخل ترانه‌ها را معنی کرده و اگر گونه‌های مختلفی از نقل یک ترانه را در دست داشته به آن افزوده است.**

**در قسمت فهرستها انواع واژه‌ها را به ترتیب حروف الفبا تنظیم و صفحات مربوط به آن را قید کرده است و مقدمه شیوای آقای دکتر ابوالقاسم پرتوی به زبان فرانسه هم پایان‌بخش این مجموعه است.**

**امیدواریم همکار دانشمندان آقای دکتر ناصح همچنان پرتلاش و کوشا به ادامه کار پرداخته و گنجینه نفیسی از ترانه‌های زادگاه خود ترتیب دهند.**

فصلنامه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی خراسان  
پیاپی ۱۰، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۰، صفحات ۲۰۲-۲۰۳  
پخش از دفتر نشر خراسان، مشهد  
پخش از مراکز فروش کتب دانشگاهی و مراکز فرهنگی  
پخش از مراکز فروش کتب دانشگاهی و مراکز فرهنگی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 برتال جامع علوم انسانی

نقاره خانه

برگرفته از: حرم، مروری بر فعالیت‌های آستان قدس رضوی